

**ORIGINAL ARTICLE**

## The grounds of the expansion and the causes of the continuation of the First World War in Kurdistan(1914-1918)

Keihan Moshirpanahi<sup>1</sup>, Mohammad Sheikahmadi<sup>2\*</sup>, Osman Yosefi<sup>3</sup>, Mohammad Ghorban Kiani<sup>4</sup>

<sup>1</sup> PhD Student, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

<sup>2</sup> Assistant Professor Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Mazaheb University, Sanandaj, Iran.

<sup>4</sup> Assistant Professor Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

**Correspondence**

Mohammad sheikahmadi

Email: [m.sheikahmadi@gmail.com](mailto:m.sheikahmadi@gmail.com)

**How to cite**

Moshirpanahi, K., Sheikahmadi, M., Yosefi, O. & Ghorban Kiani, M. (2023). The grounds of the expansion and the causes of the continuation of the First World War in Kurdistan. Iran Local Histories, 11(2), 137-148.

**ABSTRACT**

On the eve of the first world war, the western borders and the Kurdish regions of Iran during the Qajar era were through a critical period due to the displacement of local rulers. Also deep-rooted historical differences with the Ottomans, the presence of various tribes and political differences made the region faced with new events. While the Ottomans had officially entered the war, the buffering of Kurdistan between Iran and the Ottomans could not keep Kurdistan away from its consequences. The study tries to explain the causes of the expansion and continuation of the war in Kurdistan, using the descriptive-analytical method and relying on the historical sources of documents, local and national newspapers. The investigations showed that the political and religious differences in Kurdistan and the confrontation of nomads with each other, along with the strategic importance of this region for foreign forces were the essential factors behind the spread of the war to Kurdistan. Also, political instability in Kurdistan, intensification of tribal conflicts, presence of disaffected Sheikhs, competition of hostile governments and finally false promises of independence led to the continuation of the war in the region.

**KEYWORDS**

Qajar era, First World War, Kurdistan, Nomads.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

نشریه علمی

## تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

### زمینه‌های گسترش و علل تداوم جنگ جهانی اول در کردستان (۱۹۱۴-۱۹۱۸م)

کیهان مشیرپناهی<sup>۱</sup>، سیدمحمد شیخ احمدی<sup>۲\*</sup>، عثمان یوسفی<sup>۳</sup>، محمدقربان کیانی<sup>۴</sup>

#### چکیده

در آستانه‌ی جنگ جهانی اول مرزهای غربی و نواحی کردنشین ایران عصر قاجار یک دوره‌ی بحرانی را در نتیجه‌ی جایجایی‌های امرای محلی سپری کرد. همچنین اختلافات ریشه‌دار تاریخی با عثمانی، حضور عشایر مختلف و اختلافات سیاسی، منطقه را آستان حوادث جدیدی ساخته بود. البته حائل شدن کردستان بین ایران و عثمانی در حالی که عثمانی رسماً به جنگ وارد شده بود نمی‌توانست کردستان را از تبعات جنگ دور نگه دارد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع تاریخی و اسناد و جراید محلی و ملی به هدف تحقیق که تبیین علل گسترش و تداوم جنگ جهانی اول در کردستان است، دست یابیم. بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که مسائلی همچون اختلافات سیاسی و مذهبی در کردستان و تقابل عشایر با یکدیگر و نیز اهمیت استراتژیک این منطقه برای نیروهای خارجی از عوامل مهم زمینه‌ساز گسترش جنگ به کردستان بود. همچنین بی‌ثباتی سیاسی در کردستان، تشدید تقابل عشایر و وجود مشایخ ناراضی، رقابت دولت‌های متخاصم و در آخر وعده‌های دروغین استقلال، تداوم جنگ در منطقه را به دنبال داشت.

#### واژه‌های کلیدی

عصر قاجار، جنگ جهانی اول، کردستان، عشایر.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.  
<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ، گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.  
<sup>۳</sup> استادیار گروه تاریخ دانشگاه مذاهب اسلامی سنندج، ایران.  
<sup>۴</sup> استادیار گروه تاریخ، گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

نویسنده مسئول:

سیدمحمد شیخ احمدی

رایانامه:

[m.sheikhahmadi@gmail.com](mailto:m.sheikhahmadi@gmail.com)

استناد به این مقاله:

مشیرپناهی، کیهان، شیخ احمدی، سیدمحمد، یوسفی، عثمان و کیانی، محمدقربان (۱۴۰۲). زمینه‌های گسترش و علل تداوم جنگ جهانی اول در کردستان (۱۹۱۴-۱۹۱۸م). فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۲)، ۱۳۷-۱۴۸.

## مقدمه

نگاهی به پیشینه تاریخی کردستان، نشان می‌دهد که اختلافات مرزی، قومی و قبیله‌ای در این منطقه مسبوق به سابقه بوده و بخش قابل توجهی از آشوب‌های دوران جنگ جهانی اول ریشه در اختلافات گذشته داشته است. وقایع تاریخی نیز گواهی بر این مدعا بوده و ظهور و سقوط خاندان اردلان خود نشان از کشمکش‌های سیاسی در این محل دارد. دولت صفوی نیز تلاش کرده بود تا با روی کار آوردن خاندان اردلان، که از محبوبیت محلی نیز برخوردار بودند، جلوی نفوذ عثمانی را در نواحی غربی ایران بگیرد که تا حدودی نیز این اقدام آنان با موفقیت همراه بوده است. در تمام دوره زنده و افشاریه نیز خاندان اردلان تابع حکومت مرکزی بودند. اما با روی کار آمدن حکومت قاجاریه و نفوذ درباریان در امور سیاسی کردستان که قدرت از خاندان اردلان به حاکمان اعزامی قاجارها از مرکز سپرده شده، به مرور زمینه دخالت‌های خارجی و ایالات در امر حکومت این محل فراهم گردید، این امر به نارضایتی‌ها و آشوب‌های محلی دامن زد و در نهایت با آغاز جنگ جهانی اول بسیاری از گروه‌ها و عشایر آن را به سوی قدرت‌های جهانی سوق داد که هر کدام به نحوی در تلاش برای دستیابی به این نواحی بودند. در این میان دولت عثمانی پیشقدم بود و چون برای سالیان دراز به علت حضور خاندان اردلان موفقیتی در جلب نظر کردها نداشت، این بار با برکناری این خاندان و نبود حاکمیت مقتدر، با صرف کمترین هزینه و با به کارگیری عشایر کوچنده و اقوام ناراضی توانست در کردستان نفوذ کند. وجود اقوام ناراضی و عشایر و ایالات کوچنده خود امتیاز بزرگی برای عثمانی به حساب می‌آمد که توانسته بود از این طریق حضور خود را در این محل تثبیت کند. بنابراین، دخالت درباریان قاجاریه که حکومت این نواحی را به صورت موروثی برای خود حفظ کردند و تنها نمایندگان نالایق خود را راهی این محل نمودند، موقعیت راهبردی کردستان، نارضایتی‌های اقوام و ایالات، توطئه‌های افراد صاحب نفوذ و خاندان‌های محلی و در نهایت رقابت‌های دولت‌های خارجی جهت حضور در کردستان، زمینه یک نارضایتی عمومی و در نتیجه تداوم جنگ جهانی اول را در این منطقه به دنبال داشت.

در زمینه جنگ جهانی اول و وضعیت سیاسی و اجتماعی کردستان به صورت غیرتخصصی کتب و مقالاتی منتشر شده اما هیچ‌یک از این آثار به صورت مستقل به موضوع مورد بحث نگارندگان در این مقاله یعنی «بررسی علل گسترش و تداوم جنگ جهانی اول در کردستان» نپرداخته‌اند. حال در ادامه به برخی

پژوهش‌های انجام شده در این حوزه اشاره می‌گردد: «تاریخ کردستان» (۱۹۹۹م.) از لازاریف و همکاران است که تاریخ عمومی و کلی کردستان است و در آن به موضوع مشخص ما در اینجا یعنی علل گسترش جنگ جهانی اول در کردستان پرداخته اما جسته و گریخته اطلاعاتی در آن یافت می‌شود که نیاز به تحلیل بیشتر دارد؛ اثر مهم دیگر «اوضاع سیاسی کردستان»، تألیف مجتبی برزویی (۱۳۷۸) است که این اثر نیز سهم اندکی از مطالب خود را به علل گسترش جنگ جهانی اول در کردستان اختصاص داده است؛ اثر ارزشمند دیگر با عنوان «نگاهی به تحولات گروس در جریان جنگ جهانی اول» تألیف محمد مریوانی (۱۳۹۵) می‌باشد که نگارنده در آن به طور اختصاصی به وقایع گروس در جریان جنگ جهانی پرداخته اما در خصوص مناطق دیگر کردستان اطلاعات بسیار اندکی ارائه می‌کند؛ «بررسی تأثیرات جنگ جهانی اول بر ساختارهای اجتماعی مناطق غربی ایران»، تألیف شهین رعنائی (۱۳۹۵)؛ بر این مجموعه می‌توان برخی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی را نیز افزود که از آن جمله: «بررسی تحولات نظام مالیاتی کردستان از دوره مشروطه تا پایان دوره قاجاریه»، اثر دل‌آرام مردوخ (۱۳۹۰)؛ «تأثیر جنگ جهانی اول بر حرکت‌های قومی در کردستان»، حیدر سعیدی (۱۳۹۳)؛ «کارنامه سیاسی و نظامی سردار اکرم در کردستان»، (۱۳۹۸)؛ همچنین بر این مجموعه می‌توان آثاری نیز افزود که از اهمیت کمتری برخوردارند؛ کتاب‌هایی مانند کردستان در سال‌های جنگ جهانی اول (قتل عام ارامنه) نوشته کمال مظهر احمد یا وحشت در سقز؛ نگاهی به تحولات کردستان در فاصله جنگ اول جهانی تا اعاده اقتدار دولت مرکزی نوشته مصطفی تیمورزاده. اما دسته دیگر منابع، مربوط به اسناد و آرشیوهای وزارت امور خارجه، میراث فرهنگی و مجلس شورای اسلامی و برخی دیگر از اسناد پراکنده در اینجا و آنجا است که سهم عمده‌ای در مطالعات این پژوهش داشته است.

## ۱. زمینه‌های گسترش جنگ جهانی اول در کردستان

### ۱-۱. اختلافات سیاسی و مذهبی در منطقه

درک صحیح از حوادث کردستان در دوره جنگ جهانی اول بدون مراجعه به پیشینه تاریخی و وقایع مرزی و جناح‌بندی‌های سیاسی این محل امکان‌پذیر نخواهد بود. وقایع و حوادث دوره صفوی از جهات مختلفی حائز اهمیت است. چراکه، نزدیکی و هم‌مرزی کردستان با عثمانی، و نیز اشتراکات مذهبی کردها و عثمانی خود نقطه آغاز تحولات گسترده در کردستان و اهمیت یافتن آن در

خارجی خود را نشان داد. در واقع دیوان‌سالاری بومی کردستان مشروعیت خود و حکومت محلی را از دولت مرکزی و شخص شاه طلب می‌کردند و هرگز یک طبقه سیاستمدار کرد، منسجم و یکپارچه، در برابر دولت به وجود نیامد (زارعی مهرورز، ۱۳۸۵: ۳۹). از سوی دیگر سپردن قدرت خان‌ها و امیران محلی به دیوانیان و شاهزادگان اعزامی از مرکز، سبب گسترش دریافت حق و حساب و رشوه توسط والیان و صدراعظم گردید که همین موضوع خود نقش بسزایی در ناامنی‌ها در کردستان داشت (زارعی مهرورز، ۱۳۸۵: ۴۰؛ مریوانی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

کردها که حال باید یکی از دولت‌های خارجی را به عنوان متحد خود انتخاب می‌کردند، ترجیح داده تا زیر لوای حکومت عثمانی هم‌کیش خود قرار گیرند نه روس‌ها و دیگر دولت‌ها. بنابراین، هریک از دولت‌های درگیر در این جنگ تلاش می‌کردند تا از کردها و دیگر خلق در جهت منافع خود بهره‌گیرند (لازاریف، ۱۹۹۹: ۱۴۱). اما کردها غافل از اینکه هدف عثمانی از حمایت از آنان و حضور در کردستان تنها تلاشی برای بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته خود بود (اتابکی، ۱۳۸۷: ۵۱). همین امر بود که به زودی زمینه بی‌اعتمادی قبایل و گروه‌های کرد به عثمانی و ترک‌ها تقویت کرده که این امر با موضع‌گیری آنها در مقابل رفتارهای نادرست سربازان عثمانی در بی‌احترامی به مقدسات کردها تشدید شد.

## ۱-۲. اهمیت استراتژیک کردستان و تحولات بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین علل گسترش جنگ جهانی اول در کردستان، موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی خاص این منطقه بود. کردستان در مرکز خاورمیانه قرار داشت و برای کشورهای درگیر جنگ همچون روسیه و عثمانی، یک منطقه حیاتی محسوب می‌شد، از این‌رو تلاش گسترده‌ای برای جذب کردها صورت گرفت. روس‌ها به علت موقعیت استراتژیکی کردستان کنسولگری خود را در شهر ارومیه دایر کرده بودند. انگلستان نیز برای تسلط بر منطقه مهم بین‌النهرین همواره از سیاست تفرقه‌مذهبی استفاده می‌کرد و کردها و آشوری‌ها را به این کار ترغیب می‌کرد. از سوی دیگر، در خاورمیانه و کشورهای آفریقایی رقابت‌های استعماری بین قدرت‌های بزرگ

مقایسه با گذشته بود تا دوره قاجاریه کردستان را در مرکز توجهات قرار داد. در این دوره، کردها به دلیل گرایش‌های شیعی حکومت صفوی و برخی تعاملات سیاسی آنان با عثمانی، تمایلی به ورود به جنگ با عثمانی نداشتند. از سوی دیگر رهبران حکومت‌های کردنشین در نواحی غربی تصور می‌کردند که عثمانی به آنها قدرت بیشتری خواهد بخشید به همین دلیل به سوی این دولت گرایش یافتند (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۲۶-۱۲۸).

پس از نبرد سرنوشت‌ساز چالدران در حدود بیست امارت‌نشین کرد با سلطان عثمانی قراردادی بسته و خود را از تابعیت حکومت صفوی خارج ساخته و تابعیت حکومت عثمانی را پذیرفتند (هوشمندی، ۱۳۸۲: ۵). اما از آنجا که نیاز عثمانی‌ها به کردها به صورت مقطعی بود، چندان حسن نیتی به حمایت از کردها نشان نمی‌دادند و همکاری بین دو گروه کوتاه‌مدت بود. از این‌رو، صفویه نیز توجه ویژه‌ای به کردستان داشت، چراکه آنجا میدان جنگ واقعی ایران و عثمانی بود و تبلیغات عثمانی‌ها در آنجا رو به گسترش نهاده بود و حتی از لحاظ مذهبی هم در میان کردها و ایرانیان اختلافاتی را افکنده بودند (روزیبانی، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۳؛ مک‌داول، ۱۳۸۳: ۷۷). حکومت عثمانی تلاش داشت همواره در مرز ایران ناامنی ایجاد کرده و امیران محلی استقلال یابند تا با بهره‌گیری از آنان، نفوذ خود را در منطقه جاری سازد (یاسمی، ۱۳۶۳: ۲۰۳-۲۰۴). این اختلافات از آغاز جنگ چالدران تا حکومت شاه‌صفی در مجموع بیست جنگ را میان دو دولت رقم زد تا آنکه با انعقاد قرارداد صلح زهاب، سرزمین‌های میان دو دولت تقسیم شد (Moradi, 1998: 38). اما در اصل آنچه به این اختلافات پایان داد، روی کار آمدن خاندان اردلان<sup>۱</sup> بود که در مقابل خاندان بابان<sup>۲</sup> در کردستان که مورد حمایت عثمانی بودند، قرار داشتند (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۶۲). خاندان اردلان که حلقه واسطه دولت مرکزی شیعی و امرای کرد سنی‌مذهب گردید، در نهایت توانستند رضایت دو طرف را کسب کنند. اما با حذف خاندان اردلان از حکومت کردستان در دوره قاجاریه هرچند در ظاهر و در ابتدای امر پابندی کردها به حکومت مرکزی ایران پابرجا بود اما این یکپارچگی و حلقه متصله تمام کردها با کردستان به مرور دستخوش تغییر اساسی گردید که در وقایع حضور دولت‌های

۲. بابان سلسله‌ای از امیران محلی کرد در ناحیه شهرزور در قلمرو حکومت عثمانی بود که تقریباً دو سده بر قسمت‌هایی از مناطق کردنشین در عراق کنونی حکومت کردند (بنگرید: محمد امین زکی (۱۹۵۱)، تاریخ السلیمانیه، ترجمه جمیل احمد الروزیبانی، بغداد).

۱. حکومت ادلان به سلسله امیران محلی نواحی شمال غرب ایران اطلاق می‌شود که از قرن هفتم هجری قمری حکومت این نواحی را برعهده داشته‌اند. حوزه متصرفی و شناخته شده خاندان اردلان در کردستان ایران، استان کردستان کنونی به مرکزیت شهر سنندج، دیواندره، بانه، سقز و جز این‌ها بوده است (بنگرید: امیر شرف خان بدلیسی (۱۳۴۳)، شرفنامه، مقدمه و تعلیقات و فهراس محمد عباسی، تهران: علمی، ذکر حاکمان اردلان و صفحات متعدد).

و باب عالی را مجبور دانستند بر اینکه عهدنامه ارزننداروم را امضاء کند. با وجود این، چون در باب سرحد ائتلاف حاصل نشده بود، یک کمیسیون انگلیسی و روسی مکلف به این خدمت گردیده، مدت هفت سال مشغول شد و با وجود این مدت زیاد فقط به یک نتیجه ناقص منجر شد. زیرا که منطقه بی‌طرفی به طول هفتاد میل و به عرض ۲۰ الی ۴۰ میل انگلیسی قرار داد که داخل این منطقه محفوظ ماند.» (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۲: ۱/۶-۴۳۲).

در این سال‌ها حملات و تحریکات عثمانی از نگاه سران قاجاری پنهان نمانده و طی نامه‌های رسمی مراتب اعتراض به عثمانی در خصوص حملات عشایر و تحرکات آنان اعلام شده بود که در یکی از این نامه‌ها چنین آمده است: «با اینکه جناب اشرف عالی مرقوم فرموده بودید که از باب عالی اوامر لازمه صادر شده که تحریک و تجاوز نکنند باز آنی از تحریکات و تشویقات عشایر متمرده غافل نیستند و از قطع الطریق و اشرار حمایت می‌کنند» (اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۱۱۸۱، تاریخ ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۶ هـ ق، کارتن ۴۲، پرونده ۴).

براساس عهدنامه ایران و عثمانی، مقرر گردیده بود تا هر عشیره‌ای که در خاک یکی از دو کشور مستقر بود، به حکومت آنجا مالیات بپردازد. اما عشیره جاف نه تنها مالیات نمی‌پرداخت، بلکه تمامی روستاها و مزارع آن نواحی را نیز از مرز تا سه فرسنگی، ویران و غارت می‌کرد. در ابتدا سرکوب این گروه توسط فرهادمیرزا معتمدالدوله، نخستین حاکم کردستان پس از عزل خاندان اردلان، در سال ۱۲۸۶ ق/ ۱۸۹۶ م. انجام شد که رؤسای سایر عشایر کرد نیز در این جنگ علیه جاف شرکت داشتند (برزویی، ۱۳۷۸: ۳۵-۳۶). اما حملات عثمانی از طریق حمایت از برخی قبایل نظیر جاف که تبعه عثمانی به حساب می‌آمدند، ادامه می‌یافت که این امر در یکی از اسناد این‌گونه منعکس شده است: «...کدخدایان جاف در موقع تجاوز حدود که برای علف‌چرانی به خاک کردستان می‌آمدند، چند قریه از محال (خورخوره) و (سقز) به قوه جبریه از مالکین بی‌بضاعت گرفته از قرار معلوم برای بعضی از دهات هر قسم اسنادی را با مهار اشخاص مجهول‌الیهویه ترتیب داده که به وسیله آن ادعای استملاک نمایند» (اسناد وزارت خارجه، سند شماره ۱۲۱۸، ۲۷ سرطان ۱۳۳۸ هـ ق، کارتن ۴۰، پرونده ۵).

در روزهای اول جنگ جهانی اول، ژنرال باراتوف، فرمانده کل قوای روسیه، با دعوت از عشایر روانسر و جانورود و گوران و سنجابی و جز این‌ها، در قریه دادانه نزدیک سنندج، مجلس اتحاد عشایری

از سال‌ها قبل برای تصاحب منابع اولیه این کشورها آغاز شده بود (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۱۹۶-۲۰۰). به‌خصوص بین کشورهای روسیه، آلمان، انگلستان و فرانسه این رقابت‌ها برای تصاحب مناطق بیشتر، شدت بیشتری داشت. این کشورها که پس از انقلاب صنعتی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده بودند، جهت تأمین مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات خود در تلاش بودند که به روش‌های گوناگون و به نام استعمار و آبادانی، در کشورهای ثروتمند و صاحب منابع اولیه مانند ایران و هند نفوذ کنند. رقابت کشورهای انگلستان، روسیه و فرانسه در گرفتن امتیازاتی همچون رویتر، تنباکو، شیلات و جز این‌ها در دوره قاجاریه گویای این واقعیت مهم است. از این‌رو، به دلیل وجود منابع انرژی و اهمیت جغرافیایی و استراتژیکی کردستان روز به روز بیشتر مورد توجه کشورهای حاضر در جنگ جهانی اول قرار گرفت (بنگرید: لیتن، ۱۳۶۸: ۱۴۴-۱۴۹). همین عامل آنها را ناگزیر ساخت تا برخی مواقع هرچند موقت از شورش‌ها و حرکت‌های قومی کردها در این منطقه حمایت کنند ولی در نهایت این حرکت‌ها را رها کرده و سیاست دوگانه و مبهمی را در کردستان در پیش گرفتند. لازاریف در مورد شروع جنگ جهانی اول در کردستان ایران به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: «اولین صدای گلوله در جنگ جهانی اول در خاور نزدیک از کردستان ایران به صدا درآمد نه از دریای سیاه» (لازاریف، ۱۹۹۹: ۵۶۲).

### ۳-۱. عشایر کردستان در آغاز جنگ

حکومت قاجاریه همواره از سوی همسایه غربی خود در معرض تهدید قرار داشت و در این بین کردستان بر سر راه ارتش عثمانی لقمه‌ای وسوسه‌انگیز به حساب می‌آمد و این مسأله از نظر عشایر منطقه، که خواهان آزادی عمل بیشتری بودند، دور نمی‌ماند (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۱۴۳). در نامه‌ای به تاریخ ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هـ ق گزارش سفارت ایران از تعدیات عثمانی، سخن از به‌کارگیری اشرار و دزدان از سوی عثمانی برای غارت دهات مرزی شده است. در این گزارش (۱۹۰۴) اشاره به قشون حمیدیه شده که شامل چهل هزار کرد مسلح شده از سوی سلطان عثمانی بودند که مناطق مختلف را مورد هجوم خود قرار می‌دادند (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۲: ۱/۶-۴۳۲). همچنین نکته مهم دیگری که در این گزارش بدان پرداخته شده بود اشاره به دخالت‌های روسیه و انگلستان در انعقاد قرارداد انانته‌الروم فی‌مابین ایران و عثمانی به‌عنوان منشأ اولیه اختلافات دو کشور شده، که چنین است: «در حقیقت اصل این اختلاف از سال ۱۸۴۷ میلادی است. در این تاریخ مابین ایران و عثمانی جنگ برپا شده بود، روسیه و انگلستان متفقاً مداخله کرده

(۴۱۷). ترک‌ها همچنین پس از غلبه بر روسیه موقع بازگشت به گفته زکی‌بیگ: «شروع به اذیت و آزار و قتل‌عام و غارت اموال مردم نمودند» (زکی‌بیگ، ۱۳۸۸: ۱۹۰). آنان همچنین با بی‌حرمتی به مقبره بابا یادگار،<sup>۳</sup> که مورد احترام بسیاری از کردهای اهل حق بود، به پیمان‌شکنی خود صبغه مذهبی دادند (مک داوول، ۱۳۸۳: ۱۹۶، ۲۰۰-۱۹۹). همچنین آن‌گونه که کمال مظهر احمد می‌گوید دو سردار مخالف خود (محمدحسین خان و سیف‌الدین خان سقز) را اعدام و به مدت چند روز تنها برای ترساندن مردم سقز جسد آنها را آویزان نمودند (مظهر احمد، ۱۳۸۵، ۶۲). لازاریف نیز از این اقدامات و سوءاستفاده عثمانی‌ها از مذهب به‌عنوان یک ابزار جهت سرکوب کردها پرده برداشته و می‌نویسد: «هر آنچه بر سر ارمنی‌ها آمد بر سر کردهایی که به آنتولی غربی فرستاده شدند نیز آمد و بیشتر از نصف ۷۰۰ هزار کرد آواره در مسیر راه آنتولی مردند و یا به دست ژاندارم‌های ترک کشته شدند» (لازاریف، ۱۹۹۹: ۲/۵۵۵).

#### ۲-۴-۱. عثمانی و شعار اتحاد اسلام

یکی دیگر از مسیرهای جلب حمایت ایلات کرد از سوی عثمانی تبلیغ اندیشه اتحاد اسلام یا آن‌گونه که گفته شده «جنگ مقدس» در میان ایلات کرد بوده است (لازاریف، ۱۹۹۹: ۱۴۱). یکی از سران ایل کلهر این‌گونه به این موضوع اشاره کرده است: «خلاصه من مسلمانم و از برای پیشرفت اتحاد اسلامی تا جان دارم کوشش می‌نمایم و از خداوند مسئلت دارم که همه را به حق راهنمایی نماید» (بیات، ۱۳۸۱: ۵۶-۵۷). اسناد نیز گواه آن است که مکاتبات و مرادده‌های سری و علنی بسیاری میان دولت عثمانی و برخی سران سرحدی در جریان بوده است تا در کنار هم به جهاد علیه متفقین به پا خیزند و با استفاده از فرصت مقتضی از خط کرمانشاه و کردستان قشون خود را به قزوین برسانند (بیات، ۱۳۸۱: ۲۸). مراجع شیعی مقیم کربلا و نجف نیز از مردم ایران خواسته بودند تا با عثمانی همکاری نمایند (ملایی توانی، ۱۳۷۸: ۸۴-۸۵). حتی برخی از این روحانیون، علاوه بر صدور فتوا، در جنگ حضور یافته و به‌طور سمبلیک، فرماندهی نیروهای مجاهدین را برعهده گرفتند (سپهر، ۱۳۳۶: ۷۰-۷۱). ترک‌ها که احساسات موافق کردها را به سود مشایخ نقشبندی و قادری می‌دانستند، آنان را در اردوی جنگی خود وارد نمودند و به آنها القابی عطا کردند. شیخ عارف نقشبندی، برادر رئوف ضیایی و خود ضیایی صاحب منصب نظامی شدند

تشکیل داد (جمادی‌الثانی ۱۳۴۴/۳ مه ۱۹۱۶). در مقابل، نیروهای عثمانی نیز، در مرابون اتحاد عشایری منعقد ساختند (مردوخ، ۱۳۷۹: ۵۶۴-۵۶۵). همچنین، یکی از علل و بهانه‌های اساسی عثمانی برای حملات مکرر به خاک ایران، وجود عشایر بود. (اسناد وزارت امور خارجه، پوشه‌های، ۱۶ تا ۲۵، ۱۸-۱۳۲۱ و ...).

#### ۱-۴-۲. نقش عثمانی در گسترش جنگ به کردستان

##### ۱-۴-۱. عثمانی و اعلامیه جهاد

اختلافات مرزی و نیز وجود برخی اشتراکات سیاسی و مذهبی گرچه برای آغاز جنگ در کردستان می‌توانست کافی باشد، اما تداوم حضور دولت‌های خارجی در این محل نیازمند ابزارهای دیگری نیز بود که این امر خود به طولانی‌شدن جنگ در کردستان می‌انجامید. در همین ارتباط استفاده از اشتراکات مذهبی مؤثرترین راه برای تداوم اشغالگری دولت عثمانی و در نتیجه استمرار جنگ در کردستان بود. فتوای «جهاد» مهم‌ترین ابزار ترک‌ها جهت تحریک و استفاده از نیروی کرد به حساب می‌آمد. حکومت عثمانی توانسته بود از این طریق در ابتدای جنگ بخشی از سپاه خود را با فتوای جهاد از کردها تأمین کند (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۴۱۵).

در ابتدای جنگ (۹ رمضان ۱۳۳۲ / ۱ اوت ۱۹۱۴)، شیخ عبدالقادر نه‌ری و شیوخ طویل‌ه (روستای مرزی بین کردستان عراق و مرابون در کردستان ایران)، از مشایخ کرد ساکن در قلمرو عثمانی، اعلام جهاد کردند و بسیاری از عشایر کرد ایران با توجه به اینکه اکثر کردها مسلمان و به اصول و اعتقادات اسلامی پایبند بودند در آغاز جنگ، با ملاحظه مشایخ و با فراخوان جهاد به جنگ پیوستند و به فتوای دعوت به جهاد حکومت عثمانی در جنگ جهانی اول پاسخ مثبت دادند (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۴۱۳ و ۴۱۵). حتی گفته شده، دولت عثمانی شیخ‌الاسلام‌ها را برای ترویج، هیجان و رساندن ابلاغیه‌ها به نواحی غربی ایران گسیل داشت و نوشته‌هایی از طرف علما و والی بغداد در این نواحی توزیع و مردم را دعوت به مجاهدت و اتحاد با عثمانی‌ها می‌نمودند (بیات، ۱۳۸۹: ۲۵-۳۰). البته برخی از کردها از حضور در جنگ خوداری کردند و برخی دیگر نیز در کنار روس و انگلیس جنگیدند، چراکه به اشغال مناطق کردنشین توسط عثمانی معترض بودند (کندال، ۱۳۷۹: ۷۴؛ لیتن، ۱۳۶۸: ۱۴۴-۱۴۹). تعدادی از همین میهن‌پرستان کرد که دعوت حکومت عثمانی را رد کردند به دست ترکان اعدام شدند (نیکیتین، ۱۳۶۶:

۳. مقبره بابا یادگار در اسلام اباد غرب استان کرمانشاه عمارتی متعلق به بناهای دوران اسلامی با قدمتی حدود قرن ۶ هجری قمری که در ۲۰ آذرماه ۱۳۵۳ به ثبت ملی رسیده است.

نزد کردها شد. به‌ویژه که با روسیه و انگلستان نیز دشمن بودند و ایرانیان از دیرباز آنان را عامل مهم ضعف و عقب‌ماندگی خود می‌دانستند. همین روابط بود که به مرور آلمان‌ها توانسته بودند با بهره‌گیری از آن در نواحی مختلف کردستان نفوذ کنند. اما با این حال، در مواقعی میان آنها و رهبران عشایر اختلاف بروز می‌کرد. سردار مقتدر، رهبر ایل سنجابی، که مجدانه با روس و انگلیس درگیر بود و از سوی آلمان‌ها به شدت مورد احترام بود، در این باره گفته بود که آلمان‌ها در سایر نقاط ایران احساسات ایرانی‌ها را محترم می‌داشتند ولی مسیو شادو، سرپرست نیروهای آلمانی در کردستان از جنس دیگری بود. او متکبر و تندخود بود و به ایرانیان به نظر تحقیر می‌نگریست (سردار مقتدر، ۱۳۸۰: ۳۰۹-۳۱۰). از سوی دیگر، اختلاف میان کردها مانند اختلاف سردار مقتدر و سردار رشید نیز مانع انسجام کامل و مورد نظر آلمانی‌ها بود.

## ۲-۲. بی‌ثباتی حاکمیت سیاسی در کردستان

یکی از علل تداوم جنگ و ناآرامی در کردستان حاکمیت‌های سیاسی ناپایدار بود. در آستانه جنگ جهانی اول حاکم کردستان سردار محی‌الدین رشتی بود (میریانی، ۱۳۹۵: ۲۵ و ۲۶). گزارش‌ها از عملکرد وی نشان داده که گاهی با روس و گاهی با انگلستان همراهی می‌کرد (سند: مجلس، دوره ۳، ک ۳، ج ۳۳، ن ۱۶۰؛ ۱۳۳۳/۱۹۱۵). هرچند به ظاهر او در تلاش برای حفظ موازنه میان قدرت‌ها برآمده بود اما در نهایت نتوانست به اوضاع سر و سامان دهد و از این‌رو اهالی کردستان شکایات متعددی علیه وی به مجلس شورای ملی و وزارت داخله ارسال داشتند (آذری شهر رضایی، ۱۹۴: ۲۱۶). سرانجام حکم خلع سردار محی در ۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۳ مصادف با ۱۸ مارس ۱۹۱۵ میلادی از تهران صادر شد و سردار محی به تهران احضار شد و در ۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ ق. / ۱۷ اسفند ۱۲۹۴ ش. از کردستان اخراج شد (مردوخ، ۱۳۷۹: ۵۶۰). محمد مردوخ می‌گوید که به قصد اعلام مخالفت با سردار محی به تهران رفته و نامه‌هایی خطاب به هیأت وزیران و مجلس نگاشت. او در این نامه‌ها سردار محی را متهم نمود که «بصیرت و اطلاعی به وظایف و آداب حکمرانی ندارد. سوای درهم و دینار چیز دیگری نمی‌پرستد. و جز دسیسه و کلاهبرداری، مسلک و آیینی ندارد» (مردوخ، ۱۳۷۹: ۵۵۳). با این حال او بازاریان متحصن را آلت دست آصف دیوان خوانده و با القاب اهانت‌آمیز یاد کرده است (مردوخ، ۱۳۷۹: ۵۴۵). اما برخی شواهد نیز از اقدامات مؤثر سردار محی در کردستان حکایت دارد، از جمله: سرکوب عشایر مندی و گلباغی در قروه و تیرباران برخی از رؤسای آنان، اجبار زمین‌داران به توزیع

(ضیایی، ۱۳۶۷: ۴۴). ارکان حزب به همراه مشایخ، با برافراشتن بیرق سبز اسلام، به خاک ایران وارد شدند و از حاکمان محلی تقاضای کمک کردند.

با این حال هرچند که اتحاد اسلام به‌عنوان یکی از ابزارهای حکومت عثمانی برای بهره‌گیری از احساسات دینی کردها صورت می‌گرفت، اما تنها در بخش محدودی از مردمان و قبایل کرد اثرگذار بوده و در نتیجه تناقض میان رفتار و اعمال ترک‌ها بی‌اعتمادی کردها نیز نسبت به آنها روز به روز بیشتر می‌شد.

## ۲. علل تداوم جنگ جهانی اول در کردستان

### ۲-۱. ایلات و عشایر

اگرچه، حکومت قاجاریه آزادی عمل بسیاری به عشایر داده بود، اما در عین حال در برابر جامعه وسیع‌تر کردهای عثمانی تأثیرپذیر بودند (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۱۵۰). در ابتدا عشایر کرد ایران بیشتر جانب ترک‌های عثمانی را گرفتند، ترک‌ها هم بر شدت فعالیت‌های خرابکارانه خود در اطراف مرزهایشان با ایران افزودند، به‌طوری‌که به زودی به تجاوزات مستقیم نظامی مشترک ترک- کرد به خاک ایران مبدل شد (لازاریف، ۱۹۹۹: ۱۴۴). عثمانی‌ها دریافته بودند که جهت جلوگیری از رویارویی با دولت مرکزی و ملت ایران، ابتدا مجاهدان ایرانی و کردها را که دائماً با کردهای ایران در رفت و آمد بودند به‌عنوان پیشگام و پیشقراول وارد خاک ایران نمایند. اما بی‌اعتنایی ترک‌ها به چریک‌های کرد که تنها در هنگام حمله سپاهیان روسی و بریتانیایی، خود را در پناه ساکنان کرد قرار می‌دادند (فاروقی، ۱۳۸۳: ۹۲-۹۳) موجب بی‌اعتمادی کردها از آنان و روی آوردن به دیگر دولت‌ها گردیده بود. در این میان نیروهای آلمان که از سابقه استعماری برخوردار نبودند و از رفتار مناسب‌تری برخوردار بودند، بیشتر مورد توجه ایلات و طوایف کرد بودند.

محور استراتژیک فعالیت و قدرت آلمان‌ها در میان ایلات و سران قبایل بود (فلوریدا، ۱۳۶۴: ۴۱). آنان در خلال جنگ جهانی عوامل خود را به میان ایلات و عشایر فرستادند و در آغاز کار توانستند در زمینه ایجاد جو ضد انگلیسی به موفقیت‌هایی نیز دست یابند (کاتم، ۱۳۷۱: ۶۱). مجموعه عواملی موجب گردیده بود تا آلمان‌ها در ایران شرایط به مراتب مساعدتری نسبت به سایر رقبا داشته باشند، در وهله نخست رفتار آنان با کردها به مراتب بهتر بود و هویت کردها را قابل احترام می‌دانستند، و همچنین مبالغه‌ناگفتنی پول در کردستان خرج کرده بودند، اما مهم‌ترین عامل در عدم وجود روحیه و سابقه استعماری آلمان‌ها نهفته بود که در درازمدت موجب محبوبیت آنها

خود، در همدان، پیش از ورود معزز به سنج به حضور او رسید و برای دوری از مناقشات حدود نه ماه در آنجا سکنی گزید (روزنامه ایران، سال دوم، شماره ۲۷۳، ۱۷ شوال ۱۳۳۶ق/ ۳ مرداد ۱۲۹۷ ش، ص ۲). در دوره او گرانی و قحطی همچنان بیداد می‌کرد. او دستوراتی برای ارزانی ارزاق صادر کرد و قیمت‌ها بنا به دلایل طبیعی و نه سیاسی، برای مدت کوتاهی ارزان شد، اما دوباره گرانی بازگشت. همچنین بنا به دلایلی دیگر از جمله که گفته شده طمع‌ورزی بیش از حد امیر و دست‌اندازی به اموال بزرگان در نهایت موجبات برکناری وی را فراهم ساخت و وثوق‌الدوله در تلاش برای اعاده امنیت کردستان در روز پنجشنبه ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۷/ ۲۷ فوریه ۱۹۱۹ او را معزول کرد. به گفته افلاس سردار معزز در مدت سه ماه حکومت کردستان، صد و پنجاه تومان سود کرد (افلاس، ۱۳۴۴: ۶۰). پس از عزل او، رضاخان میرپنج، که از قزاقان همراه رودمستر در کردستان بود، به‌طور موقت کفیل حکومت گردید و حکومت نظامی اعلام نمود. سپس معزالدوله جانشین او گردید و حدود دو ماه و نیم حکومت کرد (افلاس، ۱۳۴۴: ۳۲، ۵۸-۶۲؛ مردوخ، ۱۳۷۹: ۱۹۱-۱۹۲). با عزل امیر معزز، حکم رسمی حکومت کردستان و گروس به نام شریف‌الدوله صادر گردید. از وقایع مهم دوران امیر معزز، پایان جنگ جهانی اول بود، هرچند که جنگ رسماً به پایان رسید و عثمانی‌ها نیز مانند روس‌ها از کردستان خارج شدند؛ اما تا مدت‌ها همچنان قوای روس در این منطقه باقی ماندند.

### ۳-۲. تقابل دولت‌های متخاصم در کردستان

با پیوستن عثمانی به جبهه متحدین و اعلام جنگ به روسیه و انگلستان، درگیری‌ها به داخل مرزهای ایران نیز کشیده شد و در ۱۵ نوامبر ۱۹۱۴م. / ۲۳ آبان ۱۲۹۳ش. قوای عثمانی با جمعی از کردهای هم‌پیمان خود وارد ناحیه قطور شده و از آنجا روانه خوی شدند (ملکزاده، ۱۳۸۵: ۱۲). بدین ترتیب روس‌ها نیز به مرور برای مقابله با عثمانی راهی مرزهای غربی و کردستان شدند. درگیری‌هایی که تا پایان جنگ ادامه یافت و تلاش طرفین جهت ممانعت از گسترش نفوذ یکدیگر بر کردستان، خود یکی از موانع ایجاد ثبات در این ناحیه و مانع از تخلیه کردستان از نیروهای متخاصم به حساب می‌آمد. در این رابطه، عثمانی همواره تمایلات جاه‌طلبانه‌ای را در کردستان دنبال می‌کرد و حضور روس‌ها را در این محل تهدیدی علیه مرزهای خود تلقی می‌کرد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸: ۱۳۳). ترک‌ها تصمیم داشتند با همکاری آلمان مانع از برقراری ارتباط بین روس و قوای انگلیسی مستقر در خاک عراق شوند، به این دلیل قبل از هر چیز درصدد بیرون‌راندن روس‌ها از

گندم ارزان و نان در میان مردم، ممنوعیت حمل اسلحه بدون مجوز حکومتی (روزنامه جبل‌المتین، ج ۱۹، س ۲۲، ش ۱۸، ص ۹) اقدامات او در ابتدا موجب مخالفت آصف دیوان و سپس سایر افراد بانفوذ محلی گردید که بدون شک همین امر نیز در برکناری او نقش بارزی ایفا کرده است.

آشوب و ناامنی با برکناری سردار محی نیز فروکش نکرد و دولت با وقفه‌ای در ۲۷ محرم ۱۳۳۵/ ۲۳ نوامبر ۱۹۱۶ رضاقلی خان نظام‌السلطنه، رئیس‌الوزرای دولت مهاجرت، مشیرالدوله را به حکومت کردستان منصوب کرد. اما وقایع بعدی نشان داد که مشیرالسلطان نیز تحت تأثیر وقایع جنگ جهانی است، چراکه وی به زودی برخلاف تعهد خدمت به دولت مهاجرت و آلمان، به سوی روسیه گرایش یافت. در نتیجه همین جناح‌بندی‌ها در نهایت حکومت وی بیش از هشت ماه به درازا نکشید و در ۹ ذیحجه ۱۳۳۵/ ۲۶ اکتبر ۱۹۱۷، با دخالت آلمان‌ها در نهایت مشیرالسلطان از حکومت کردستان برکنار و نظام‌السلطان به حکومت کردستان انتخاب شد. اما اهالی او را راه ندادند و او به ناچار در منزل میرزا فتح‌الله نایب‌شهبندر عثمانی، جای گرفت. سردار رشید دوباره به تکاپو افتاد و برای دستیابی به حکومت کردستان، این‌بار حمایت روس‌ها و دموکرات‌ها را جلب نمود. این‌گونه بود که بالاخره سردار رشید به جای او به قدرت رسید (مردوخ، ۱۳۷۹: ۵۶۹). گزارش‌ها حکایت از حمایت مردوخ از وی داشت به طوری که با وعده گرفتن تأییدیه حکومت او، به تهران رفته و در آنجا با پپالکونیک کلرژ، رئیس دیویزیون قزاق دیدار کرد (مردوخ، ۱۳۷۹: ۵۸۷؛ افلاس، ۱۳۴۴: ۲۸). سردار رشید بالاخره در چهارم صفر ۱۳۳۶/ ۲۰ نوامبر ۱۹۱۸، با حمایت روس‌ها و دموکرات‌ها وارد سنج شد. اما در این زمان نان و گندم دوباره گران شده و با اقدامات سردار رشید نیز بهبود چندانی نیافت و از سوی دیگر اقدامات برخی اصحاب نفوذ محلی نظیر آصف دیوان نیز خود بر این آشفتگی‌ها افزود. نهایتاً، سردار رشید از ادامه حکومت در کردستان سرخورده شد و به روانسر بازگشت (سردار مقتدر، ۱۳۸۰: ۲۳۰). با رفتن سردار رشید بار دیگر هرج و مرج کردستان را فرا گرفت، تا اینکه دولت مرکزی به ریاست وثوق‌الدوله، علی‌اشرف خان سردار معزز گروسی را به حکومت کردستان انتخاب کرد. وثوق‌الدوله قصد نداشت تا امیر معزز را به حکومت کردستان بفرستد اما با پادرمیانی شیخ محمد مردوخ این اتفاق به وقوع پیوست و در اوایل ذیقعد ۱۳۳۶ق. / مرداد ۱۲۹۷ مجدداً حکم حکومتی کردستان به نام او صادر گردید. مردوخ نیز ریاست عدلیه کردستان را تصاحب کرد. آصف دیوان هم که به تازگی از چنگ سردار رشید نجات یافته بود، برای حفظ موقعیت



قنصلگری ایران در بادکوبه، نمره ۱۵۴۵، مورخ ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۲، کارت‌ن ۶۶، پرونده ۵). با وجود همین رقابت‌ها و کارشکنی‌ها بود که تلاش‌های ایران برای بیرون راندن دولت‌های خارجی بی‌اثر ماند.

#### ۴-۲. مشایخ کردستان

پس از برکناری خاندان اردلان، قدرت رهبران مذهبی، که با طریقت‌های درویشی و رؤسای ایلات ارتباط تنگاتنگ داشت، جایگزین قدرت دیوان‌سالاری شاهزادگان قاجار شد. رهبران مذهبی، در کنار آغاها (زمین‌داران محلی)، نقش خود را در این برهه زمانی ایفا کردند (Valli, 1998: 172).

با آغاز جنگ جهانی اول قوای ترک از ناحیه قطور، با ۵۰۰ نیروی مختلط از ترک و عرب و کرد با توپخانه و مهمات به طرف بانه و سقر حرکت داده شدند تا مأمور انتظامات لشکر کردها شوند که تحت فرماندهی مشایخ بودند و با طرح و نقشه وارد خطوط جنگ گردند. به دنبال آن نیز مشایخ کرد نظیر «شیخ نجم‌الدین» و «شیخ حسام‌الدین» و مأمورین دولتی وارد بانه شدند و در روز هشتم محرم ۱۳۳۳ ق. از بانه به سمت سقر خارج گردیدند و حاکم و بیگ‌زادگان بانه را نیز با خود همراه ساختند (بیات، ۱۳۸۹: ۲۲۱). محمدخان حاکم بانه با اینکه به استقبال لشکر عثمانی رفت و پذیرایی به عمل آورد اما به دستور ارکان حرب توقیف شد و بدون هیچ‌گونه سؤال و محاکمه‌ای تیرباران گردید (تیمورزاده، ۱۳۸۰). در محل بانه حدود پانصد سوار از بیگ‌زاده‌های بانه به لشکر عثمانی پیوستند و از آنجا راهی سقر شدند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۳۴-۳۷). پس از آن با جمع‌آوری قوا از بانه، دستور دادند قوای مشایخ از سقر به سوی ساوجبلاغ بروند (ضیایی، ۱۳۶۷: ۴۶). بنا به گزارش مأمورین محلی کردهای تبعه عثمانی پس از تصرف ساوجبلاغ بنای غارت و ورود به منازل مردم را نهادند و حتی به نوامیس مردم نیز تجاوز کردند (روزنامه نوبهار، سال ششم، شماره ۷۶، ۱۰ ربیع الاول ۱۳۳۶ ق، ص ۲). در این ایام محمدحسین خان سردار مکر، به‌عنوان حاکم شهر خیر ورود ترک‌ها را به مرکز اعلام کرد ولی به او دستور داده شد که بی‌طرفی را رعایت کند و در شهر بماند (سپهر، ۱۳۳۶: ۸۹). اما نیروهای عثمانی پس از ورود، سردار مکر را دستگیر و با خود به میاندوآب بردند. در موعد مقرر دو لشکر عثمانی به میاندوآب هجوم بردند. ابراهیم‌بیگ فوزی و حیدربیک با عشایر گورک، مکر، اورامان، مریوان، سقر و سرشیو قبل از حمله عثمانی به میاندوآب رسیدند و با لشکر شجاع‌الدوله حاکم انتصابی روس‌ها وارد جنگ شدند. پس از چند ساعت درگیری لشکر او را منهزم ساختند و توانستند میاندوآب را هم به تصرف خود دریاورند

کردستان بودند، تا آنجا را به منطقه ویژه عملیاتی خود تبدیل نمایند. آلمان‌ها نیز درصدد بودند تا از طریق آذربایجان و کردستان جای پای خود را در این مناطق مستحکم کنند. در این راستا آلمانی‌ها و ترک‌ها تلاش کردند تا حس ملی‌گرایی کردهای ایران را تحریک کنند و از قدرت آنان در جهت بالا بردن توان خود، در برابر روسیه و انگلیس استفاده نمایند (مظهر، ۱۳۸۵: ۶۸). ویلهلم لیتن یکی از کارگزاران سیاسی آلمان در ایران می‌گوید: «من در تهران عهده‌دار وظایف سیاسی شدم همان‌طور که در کشورهای بی‌طرف معمول است وظیفه ما این بود فعالیت در جهت جلوگیری از سمت‌گیری موفق کشور میزبان به طرف دشمن حتی‌الامکان کشاندن آن کشور به سوی خود. اما در ایران چنین عقیده‌ای خطا و اشتباه بود. ایران به قدری از روسیه و انگلستان سابقه تلخ داشت که بدون هیچ تبلیغ ایرانیان از بدو امر طرفدار آلمان بودند» (لیتن، ۱۳۶۸: ۲۶۰).

دولت روسیه نیز با توجه به اشغال عراق به وسیله انگلیسی‌ها، می‌خواست غرب ایران را از نفوذ انگلیسی‌ها حفظ کند، از این رو می‌کوشید بیش از هر چیزی از احساس دشمنی کردها نسبت به خود جلوگیری کند، و کردها را هرچه بیشتر به خود نزدیک سازد، تا در صورت شکست عثمانی بتواند جای پای محکمی در تقسیمات عثمانی بعد از جنگ داشته باشد (برزویی، ۱۳۷۸: ۱۲۱). همچنین یک عامل مهم دیگر در توجه روسیه به کردستان، تأمین آذوقه سربازان بود. به نظر روس‌ها، مزارع گندم منطقه می‌توانست تغذیه سربازان را تأمین کند. اما این امر با منافع زمین‌داران و دیوان‌سالاران از یک‌سو و حیات و ممت کردها از سوی دیگر، بستگی داشت. به همین دلیل، هرگونه توافقی میان روسیه و کردها در این زمینه ناپایدار بود. وزارت امور خارجه ایران در دهم ذی‌قعدة ۱۳۳۲ ق. / ۸ مهر ۱۲۹۳ ش. با ارسال یادداشتی به سفارت روسیه، با اعلام بی‌طرفی ایران، از دولت روس تقاضا کرد تا نیروهای نظامی خود را از ایران خارج کند (افشار، ۱۳۵۸: ۱۷۰-۱۷۱). لذا در تاریخ ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۲ ق. / ۱۱ مهر ۱۲۹۳ تقاضا نوشته شد و رونوشت آن را نیز به سفارت انگلیس ارسال نمودند. در این نامه خارج‌شدن قوای روسیه از آذربایجان و غرب ایران، جهت مساعد شدن اعلام بی‌طرفی ایران تکرار شده بود (اسناد وخ، سال ۱۳۳۲، کارت‌ن ۶۶، پرونده ۵). اما مساعی ایران برای خارج کردن قوای روس به جایی نرسید و وزیرمختار روسیه طی یادداشت مورخ ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۲ ش به‌عنوان اینکه به علت نداشتن قوا، امنیت اتباع روس و کشورهای خارجی را نمی‌تواند تأمین کند، وجود این نیروها را لازم و درخصوص خروج آنها به دولت ایران پاسخ منفی داد (اسناد بایگانی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۲، کارت‌ن ۶۶، پرونده ۵؛ گزارش

## ۵-۲. وعده‌های استقلال

اوضاع آشفته کردستان در جریان جنگ جهانی اول و عدم کفایت حاکمیت مرکزی در تهیه امنیت منطقه کردستان، بیش از هر زمانی اهالی این مناطق را به سوی برخی راهکارهای جایگزین سوق داد که از جمله آنها کسب حمایت دولت‌های خارجی و استقلال داخلی بود. دولت‌ها نیز آگاه از درخواست‌های کردها، در تلاش برای استفاده از این خواسته‌ها در جهت پیشبرد اهداف خود بودند که نمونه آن فتوای جهاد شیخ‌الاسلام عثمانی در جنگ جهانی اول بود (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۴۱۵). این فتوا در سوق دادن کردها به سوی تفکر استقلال‌خواهی تأثیر زیادی داشت، چون تلاشی که کردها پیش از این برای اقتدار خود پیش‌بینی کرده بودند و در جهت رسیدن بدان قدم برمی‌داشتند به یکباره مسیر خود را عوض کرد و این بار در جهت دفاع از آیین و مذهب خود جهاد نمودند. رهبران ایلات و عشایر کرد در واقع گمان می‌کردند که دولت عثمانی اختیار و قدرت بیشتری به آنها اعطا می‌کند، به سوی عثمانی و وعده و وعیدهای آن گرایش یافتند (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۲۸).

روسیه نیز پیش از شکست عثمانی کوشید کردها را در داخل پیمان‌هایی متحد کند و آنان را به سوی خود جلب نماید. در این زمینه زاخارچنکو، افسر سیاسی ارتش روسیه در کردستان، در اوایل ۱۳۳۵ م. با رؤسای کرد در کردستان و کرمانشاه دیدار کرد. برای تشویق کردهای ایران، در همان زمان مینورسکی به وزارت خارجه روسیه پیشنهاد کرد که به آنها وعده خودمختاری داده شود که پذیرفته شد (لازاریف، ۱۹۹۹: ۶۵۶)، زیرا این امر به زعم روسیه، سبب افزایش نفوذ روسیه می‌شد (علیف، ۱۳۸۰: ۹۴). روس‌ها اگرچه امیدهایی در میان گروه اندکی از کردها برانگیختند، اما سرانجام سیاستشان به زیان کردها، به حمایت از ارمنی‌های آذربایجان تمایل یافت. در نهایت، مجبور شدند بدون حصول هرگونه نتیجه‌ای، به دلیل وقوع انقلاب در روسیه، در ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ / ۳۰ دسامبر ۱۹۱۷، کاملاً کردستان را تخلیه نمایند (افلاس، ۱۳۴۴: ۳۳).

## نتیجه

پژوهش حاضر با این مسأله شکل گرفت که چه علل و عواملی در علل گسترش جنگ جهانی اول در کردستان و تثبیت ناآرامی‌ها در این محل و در نهایت تداوم آن نقش داشته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بخش مهمی از علل گسترش جنگ جهانی اول همان اختلافات مرزی و تردد ایلات و عشایر بود که همواره از گذشته تا آغاز جنگ جهانی اول وجود داشت و بارها دولت عثمانی تلاش کرده بود تا از آن برای دخالت در کردستان استفاده

(تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۹). عثمانی‌ها در میاندوآب مظفرالسلطنه را نیز دستگیر کرده و با خود روانه مراغه کردند که در نهایت کشته شد (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۴۰-۴۳).

مدت زیادی از جنگ نگذشته بود که شیوخ و سران کرد دریافتند که درگیری بر سر منافع است و دین و مذهب در ایجاد آن نقشی ندارد و حتی ترک‌ها در این راه از قربانی کردن کردها نیز ابایی ندارند؛ بنابراین تلاش کردند تا خود را به مرور از صحنه جنگ خارج کنند. به دنبال این ناامیدی بود که کردها دسته دسته از سپاه عثمانی گریختند (برزویی، ۱۳۷۸: ۶۵-۶۶). مظفرالسلطنه حاکم سقز و سردار محمدحسین مکرری حاکم منطقه موکریان نیز با وجود همکاری صوری با قوای عثمانی دستگیر نموده و در میاندوآب اعدام کردند (فاروقی، ۱۳۸۳: ۱۲۰). این درحالی بود که اخبار موجود نشان از حمایت‌های افرادی نظیر مظفرالسلطنه از اتباع عثمانی داشت و گفته شده از جمله گروه‌هایی که در دوران حاکمیت وی از مالیات و کشیک و سایر رسومات معاف بودند، نخست همین تبعه عثمانی ساکن سقز بودند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۲۹). به هر حال، پس از آن قوای مجاهدان دو دسته شدند، دسته‌ای همراه مشایخ به مه‌باد رفتند و دسته‌ای دیگر ارکان حرب و مبعوث به طرف میاندوآب رفتند. قوای ارکان حرب در میاندوآب با قوای روسی و شجاع‌الدوله درگیر شدند و آنها را به عقب‌نشینی واداشت؛ اما در عین حال، شهر را غارت کرد. پس از آن قوای عثمانی و چریک‌ها و عشایر به سوی مراغه راندند (ضیایی، ۱۳۶۷: ۴۲). در میاندوآب مشایخ را بازگرداندند، زیرا کار تبلیغی خود را به انجام رسانده بودند. اما کردها نسبت به عثمانی نیز دل خوشی چندانی نداشتند و این از سابقه حملات آنان به کردستان و ادعای آنان بر آذربایجان و مقوله‌های پانترکی، سوابق ناخوشایند مرزی ایران و عثمانی، از میان آنها نشأت می‌گرفت (لازاریف، ۱۹۹۹: ۱۴۱).

وقایع اخیر حکایت از چنددستگی گروه‌ها در کردستان داشت که هرکدام در جستجویی منشأ قدرتی برای بازگشت ثبات و آرامش بودند اما نه آن‌گونه که به قدرت آنان صدمه‌ای وارد کند بلکه تا آن اندازه که بتوانند با بهره‌گیری از آن به حفظ قدرت خود و گسترش نفوذ خود اقدام نمایند. بنابراین، شیوخ نیز در کنار دیگر گروه‌ها یا راضی به بازگشت اقتدار و قائل به یک قدرت مرکزی نبودند و یا اگر هم به آن مایل بودند در راستای حفظ قدرت و نفوذ خود بدان می‌اندیشیدند.

روژیاتی، محمد جمیل (۱۳۸۱)، فرمانروایی مکریان در کردستان، ترجمه شهباز محسنی، مقدمه همایون احمدی، تهران: نشر آنا.

زارعی مهرورز، عباس (۱۳۸۵)، «اوضاع سیاسی و اجتماعی کردستان از مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما، دکتر عطاءالله حسنی.

زکی‌بیگ، محمدامین (۱۳۸۸)، زبده تاریخ کرد و کردستان، ترجمه یدالله روشن اردلان، جلد دوم، تهران: انتشارات توس.

سپهر، محمد علی (۱۳۳۶)، ایران در جنگ بزرگ، تهران: بانک ملی ایران. سردار مقتدر، علی اکبر خان (۱۳۸۰)، ایل سنجایی و مجاهدت ملی ایران، تحریر و تحشیه کریم سنجایی، تهران: شیرازه.

شیخ‌الاسلامی، محمدجواد (۱۳۶۸)، قتل اتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر، تهران: کیهان.

ضیایی، رئوف (۱۳۶۷)، یادداشت‌هایی از کردستان، خاطرات شیخ رئوف ضیایی از وقایع حضور روسیه و بریتانیا و عثمانی و آشوب‌های محلی، به کوشش عمر فاروقی، ارومیه: انتشارات صلاح‌الدین ایوبی.

علیف، اس‌او (۱۳۸۰)، تحولات مه در سیاست توسعه‌طلبی روسیه نسبت به ایران، ایران در جنگ جهانی اول، مجموعه مقالات سمینار، به کوشش صفا اخوان، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.

فاروقی، عمر (۱۳۸۳)، کردستان در مسیر تاریخ، تهران: آنا. فلوریدا، سفیری (۱۳۶۴)، پلیس جنوب ایران (اس.بی.آر)، ترجمه منصوره اتحادیه نظام مافی و منصوره جعفری فشارکی، تهران: نشر تاریخ ایران.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، ناسیونالیسم در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. کندال، عصمت شریف وانلی (۱۳۷۹)، مصطفی مازدار، کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان.

گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی (۱۳۷۲)، ج ۶، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

لازاریف، م. س. و همکاران (۱۹۹۹)، تاریخ کردستان، ترجمه کامران امین‌زاده-منصور صدیقی، مسکو.

لیتن، ویلهلم (۱۳۶۸)، خاطرات لیتن، سرکنسول آلمان در تبریز در اثنای جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدری، تهران: ایرانشهر، ۱۳۶۸.

محمدرضا بن صوفی محمد سلیم افلاس (۱۳۴۴)، تاریخ انقلاب کردستان، نسخ خطی متعلق به کاوه بیات.

محمدی، آیت (۱۳۸۲)، سیری در تاریخ سیاسی کرد، تهران: پرسمان.

مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۷۹)، تاریخ مردوخ، تهران: نشر کارنگ.

میریوانی، محمد (۱۳۹۵)، نگاهی به تحولات گروس در جریان جنگ جهانی اول، کردستان: دانشگاه کردستان - پژوهشکده کردستان‌شناسی.

میریوانی، محمد (۱۳۸۲)، بیجار در گذر زمان، تهران: نیک‌پندار.

مظهر احمد، کمال (۱۳۸۵)، کردستان در سال‌های جنگ جهانی اول و قتل عام ارامنه، ترجمه.

مک‌داول، دیوید (۱۳۸۳)، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانیز. ملایی توانی، علیرضا (۱۳۷۸)، ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

ملکزاده دیلمقانی، توحید (۱۳۸۵)، آذربایجان در جنگ جهانی اول، تبریز.

میراحمدی، مریم (۱۳۶۳)، دین و مذهب در عهد صفوی، تهران: امیرکبیر.

کند اما هوشیاری دولتمردان صفوی مانع از این امر شده بود. اما روی کار آمدن قاجاریه و اقدامات مداخله‌آمیز آنان در حکومت کردستان و از بین بردن نفوذ خاندان‌های محلی که به دخالت افراد سودجو و صاحب قدرت محلی و نیز حاکمان اعزامی از دربار منجر شده بود، به مرور نیروهای گریز از مرکز را فعال ساخته و ناراضیان داخلی از وضع موجود نیز به کمک آمده و سبب گسترش جنگ به داخل کردستان شد که در نهایت همین رقابت‌های گروهی و استفاده از برخی احساسات مذهبی کردها از سوی عثمانی، سایر دولت و نیز رقابت‌های قدرت‌های خارجی بود که زمینه تداوم جنگ در کردستان را فراهم ساخت. بدون تردید نبود حاکمیت مقتدر در کردستان، رقابت‌های درون گروهی کردها، حضور افراد سودجو در صفوف کردها و مشایخ محلی نقش بسزایی در سرنگونی حاکمان اعزامی و در نتیجه تداوم جنگ و گسترش آن در کردستان داشت که نتایج آن جز ویرانی و غارت کردستان به دست دولت‌های خارجی چیز دیگری نبود. اما در کنار موارد یاد شده، اهمیت استراتژیک کردستان در غرب ایران، زمینه‌ساز حضور عشایر گریز از مرکز گردیده بود و همین امر در توجه دولت‌های خارجی نیز به این محل موثر بود چرا که حضور گروه‌های ناراضی و ایلات و عشایر که به راحتی در مرزها جابجا می شدند توانسته بود نیروی ارزان‌قیمتی را در اختیار دولت‌ها قرار دهد که عمدتاً در قالب تبلیغات مذهبی جذب دولت‌های روس، عثمانی و انگلستان شدند.

## منابع

آذری شهرضایی، رضا (۱۳۵۸)، گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاه، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

اتابکی، تورج (۱۳۸۷)، ایران و جنگ جهانی اول، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات حقیقت‌خواه.

افشار یزدی، محمود (۱۳۵۸)، سیاست اروپا در ایران، ترجمه ضیاءالدین دهسیری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

برزویی، مجتبی (۱۳۷۸)، اوضاع سیاسی کردستان از ۱۲۵۸ تا ۱۳۲۵، مقدمه ابراهیم یونسی، تهران: فکر نو.

بیات، کاوه (۱۳۸۹)، ایران و جنگ جهانی اول اسناد وزارت داخله، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

تیمورزاده، مصطفی (۱۳۸۰)، وحشت در سقز، به کوشش شهباز محسنی، تهران: شیرازه، ص ۲۹.

ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ، تهران: انتشارات پازنگ، هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۴۹)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: ج.

رضایی، احمد (۱۳۷۹)، «کردها و کردستان در گذر زمان»، مطالعات ملی.

اسناد وزارت خارجه، سند شماره ۱۲۱۸، ۲۷ سرطان ۱۳۳۸هـ.ق، کارتن ۴۰، پرونده ۵.

اسناد وزارت امور خارجه، پوشه‌های، ۱۶ تا ۲۵، ۱۸-۱۳۲۱ و ...

اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۳، ک ۳، ج ۳۳، ن ۱۶۰؛ ۱۳۳۳/۱۹۱۵.

اسناد بایگانی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۲، کارتن ۶۶ پرونده ۵؛ گزارش قنصلگری ایران در بادکوبه، نمره ۱۵۴۵، مورخ ۲۵ ذیقعد ۱۳۳۲، کارتن ۶۶ پرونده ۵.

روزنامه ایران، سال دوم، شماره ۲۷۳، ۱۷ شوال ۱۳۳۶ق/ ۳ مرداد ۱۲۹۷ ش.

روزنامه حبل المتین، ج ۱۹، س ۲۲، ش ۱۸، ۱۳۸۴.

روزنامه نوبهار، سال ششم، شماره ۷۶، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ق.

Golmorad Moradi (1998), "Remarks about Kurdistan", WKI conflict Resolution, July 28.

Abbas Valli (1998), The Kurds and Their Others: Fragmented Identity and Fragmented Politics, Comparative Studies Of South Asia, Africa and The Middle East, Vol.XVIII, No. 2.

نیکیتین، واسیلی (۱۳۶۶)، کرد و کردستان، ترجمه محمد قاضی، تهران: نیلوفر. محمدی، آیت (۱۳۸۲)، سیری در تاریخ سیاسی کرد و کردهای کرد، تهران: پرسمان.

هوشمندی، احسان (۱۳۸۲)، «کردستان: گذشته، حال و چالش‌های پیش‌رو»، چشم‌انداز ایران، ویژه‌نامه کردستان.

یاسمی، غلامرضا رشید (۱۳۶۳)، کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، تهران: امیرکبیر.

### اسناد و نشریات

اسناد بایگانی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۲، کارتن ۶۶ پرونده ۵.

گزارش قنصلگری ایران در بادکوبه، نمره ۱۵۴۵، مورخ ۲۵ ذیقعد ۱۳۳۲، کارتن ۶۶ پرونده ۵.

اسناد وزارت خارجه، سند شماره ۱۱۸۱، تاریخ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۶هـ.ق کارتن ۴۲، پرونده ۴.